

چگونگی تغییرات زبان گفتاری از ترکی به فارسی در دو دهه گذشته و مقاومت در مقابل تغییر در حال حاضر: پژوهش نظریه داده بنیاد

کریم مهری^۱، رضا مهری^۲

چکیده

مقاله پیش‌رو با استفاده از رویکرد برساختی و روش‌شناسی نظریه داده بنیاد^۳ به بازسازی معنایی چگونگی تغییرات زبان گفتاری از ترکی به فارسی در دو دهه گذشته و مقاومت در مقابل تغییر در حال حاضر می‌پردازد. روش تحقیق کیفی است و از روش نظریه‌پردازی داده بنیاد و تکنیک مصاحبه عمیق برای انجام عملیات تحقیق استفاده شده است. مهم‌ترین پرسش‌های تحقیق پیش‌رو این بوده است که «چه جنبه از زندگی آذری‌زبانان در دو دهه قبل تغییر کرد که تمایل به فارسی صحبت کردن در آنها زیاد شد؟» چه تغییراتی در حال حاضر رخ داده که تمایل به ترکی صحبت کردن در آنها بیشتر شده است؟ یافته‌های به‌دست‌آمده شامل شش مقوله عمده به این شرح است. متعین‌های نیاز به نمایش جلال طبقات فرادست، شدت و میزان تعاملات بین طبقاتی، تمایل به تغییر نگرش و رفتار درباره زبان، عدم توانمندی در ارتباط متقابل، فضای اجتماعی تعامل میان طبقات فرادست و فرودست؛ تشخیص‌آوری زبانی، جست‌وجوی راه‌های ورود به طبقه فرادست از طریق تغییرات زبانی و پیروان تغییرات ارزشی در فرودستان. مقوله هسته‌ای این بررسی فقدان تمایل به تغییر زبان گفتاری است که مقولات عمده فوق را دربرمی‌گیرد.

واژه‌های کلیدی

تغییرات زبان گفتاری، جلال طبقات فرادست، تشخیص‌آوری زبانی، تفسیری برساختی، زبان ترکی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۱۸

۱. استادیار پژوهشی مؤسسه تحقیقات تربیتی، روان‌شناختی و اجتماعی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول) kmehrik@gmail.com

bardiya.mehri@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی

3. Grounded Theory

مقدمه

برای حفظ وحدت ملی وجود زبان ملی و فراگیر در سطح کشور امری ضروری است، ما تنها در صورتی قادر می‌شویم به ابراز و مبادله معانی و مفاهیم بپردازیم که به زبانی مشترک دسترسی داشته باشیم. دسترسی به زبان مشترک به ما کمک می‌کند تا درک و تفسیرهای نسبتاً مشابهی از جهان داشته باشیم و به همین دلیل است که در بعضی مواقع فرهنگ به «معانی مشترک» تعریف می‌شود زبان نقش محوری را در فرایند تولید معنا بازی می‌کند؛ بنابراین یکی از کردارهای مرکزی مؤثر در تولید فرهنگ است و در «چرخه فرهنگ» یک مرحله کلیدی به حساب می‌آید. معنا آن چیزی است که به ما حسی از هویتمان را به ما می‌دهد، اینکه ما «کی» هستیم و درباره چه کسانی احساس تعلق می‌کنیم؛ بنابراین، معنا به سؤالات پیرامون اینکه چگونه فرهنگ برای شکل‌دهی به هویت و حفظ آن بین گروه‌های مختلف عمل می‌کند پاسخ می‌دهد. از زبان گاهی به منظور کلید شبکه‌های ارتباطی و گاهی برای سرمایه‌ای فرهنگی یاد می‌شود که افراد با تسلط بر آن، می‌توانند علاوه بر برقراری روابط اجتماعی، نوعی هویت ویژه کسب کنند. پس هویت فرد، چه در سطح قومی و چه در سطح ملی، وابسته به زبانی است که او فرامی‌گیرد. زبان مادری و بومی که یکی از مؤلفه‌های هویت قومی افراد است، حیطة و شبکه ارتباطی فرد در جامعه را رقم می‌زند و در فرایند شکل‌گیری هویت، تعیین‌کننده جمعی است که فرد به آن احساس تعلق کند.

با توجه به اینکه در ایران قومیت‌های^۱ مختلف با زبان‌ها و فرهنگ‌های متفاوتی زندگی می‌کنند زبان فارسی به‌عنوان زبان مشترک اقوام استفاده می‌شود؛ اما در سال‌های اخیر بعد از ورود مدرنیته به ایران تکثر زبانی از سوی برخی به‌منظور تهدید شناخته شد. دکتر جواد شیخ‌الاسلامی در مقاله‌ای با عنوان زبان فارسی نشان‌والای قومیت ایرانی که در مجله آینده انتشار یافته است، به‌روشنی دیدگاه‌های خود را در خصوص آذربایجان بیان می‌دارد. وی در این مقاله می‌نویسد:

سرنوشت آتی زبان فارسی در بعضی از استان‌های ایران حقیقتاً مسئله‌ای است بسیار حاد که توجه بیشتری شود: از میان این‌گونه زبان محلی، گسترش بیش از اندازه زبان ترکی در آذربایجان (ایالت همجوار کشور ترکیه) و توسعه نامعقول زبان عربی در خوزستان حاد و خطر بسیار اساسی است (مرشدی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۵۴).

بعد از انقلاب تکثر زبانی گر چه به‌منزله فرصت ملی و ثروت ملی شناسایی شد، اما تا دهه ۷۰

1. Ethnicity

چگونگی تغییرات زبان گفتاری از ترکی به فارسی در... ۱۱۱...

تغییراتی در ساختار اجتماعی سیاسی جامعه رخ داده است که افراد را به استفاده از زبانی فارسی به جای زبان آذری متمایل کرد. به نحوی که در بسیاری از شهرستان‌ها صحبت کردن به زبان ترکی را دون‌شان و منزلت خود می‌دانستند؛ اما از اوایل دهه ۱۳۸۰ نیز تغییراتی در سطح جامعه رخ داده است که صحبت به زبان، غیر از زبان آذری را نوعی خودباختگی، بیگانگی و حتی ضعف شخصیت می‌دانند «انسان کسی نیست که به آداب و سنن و گذشته خود و فرهنگ گذشتگان خود پشت پا زده و آن را به دیده حقارت بنگرد. اصلاً انسان نیست، مگر دارای گذشته انسانی باشد ... مگر می‌شود اسم خود را انسان گذاشت، ولی به ایمان، دین، مذهب، زبان، فرهنگ و موسیقی و ... که گذشتگان خود داشته‌اند، به چشم دشمنی و حقارت نگریست. این حس را تمامی فارسی‌زبان‌ها دارند و باید سایر انسان‌ها نیز داشته باشند» (مرشدی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۵۲). مطلب فوق گرچه اشاره به آداب سنن قومی دارد، اما باگذشت زمان زبان محوریت این مباحث را در بر گرفته است.

تعدادی از نویسندگان و محققان نظیر احمد کسروی، مورخ آذربایجانی، به این مسائل پرداخته‌اند. کسروی یکی از چندین روشن‌فکر آذربایجانی بود که در قبال سیاست‌های یکسان‌سازی رضاخان، موضع موافقی اتخاذ کرد. در ایران، از نظر ادبیات پژوهش، رهیافت‌های آکادمیک و بعضاً روشنفکری که در حوزه قومیت به پژوهش پرداخته‌اند، رویکردی کلان‌نگر درباره این مسئله اتخاذ کرده‌اند که به‌رغم تلاش برای ترسیم مرزهای قومی و تصویر مسائل قومی بحران‌زا، عملاً در دامان گزاره‌های کلان، غیربومی و اتیک افتاده‌اند که در برخی موارد نیز رنگ و بوی گفتمان هژمونیک تمرکزگرا (که رهیافتی ابزارگرایانه درباره مسئله قومیت‌ها را دارد) داشته‌اند. بیشتر تحقیقاتی که ترکیب سیاسی و اجتماعی ایران را بررسی می‌کنند، تمایل دارند که فاکتور قومیت‌ها را به حاشیه برانند. این منابع قاطعانه بزرگ‌ترین گروه قومیتی ایران، یعنی آذربایجانی‌ها را به‌عنوان اقلیت که دارای هویت جداگانه‌ای نبوده و در هویت ایرانی استحاله یافته‌اند، توصیف می‌کنند (شیفر، ۱۳۸۵: ۸).

تعدادی از نویسندگان و محققان در مراکز مختلف مربوط به مطالعه زبان قومی به این مسائل پرداخته‌اند، اما مطالعه آنها عمدتاً سطحی و محدود به دسته‌بندی زبان‌های قومی بوده است و هیچ‌کدام در قامت یک مدل نظری - تحلیلی ظهور نیافته است. به‌خصوص هیچ‌کدام به ارائه مدل نظری (تحلیلی) بر اساس روش نظریه‌پردازی داده بنیاد نپرداخته‌اند. در این مقاله منظور از مدل نظری (تحلیلی) مجموعه مقوله‌های پرورده است که به‌صورت منظم با جمله‌های

بیان‌کننده ارتباط به یکدیگر متصل شده‌اند تا چارچوب مدلی را شکل دهند که پدیده فرایندی زبان گفتاری را توضیح دهد. جملات بیان‌کننده ارتباط به ما توضیح می‌دهند، تغییرات زبانی به دست چه کس و چه چیز و در چه وقت، در کجا، چرا، چگونه و با چه پیامدهایی رخ داده است. بنابراین، مسئله اساسی این مطالعه شناخت درک و پنداشت درک آذری زبانان از صحبت به زبان ترکی یا فارسی است. در همین راستا با استفاده از رویکرد بر ساختی و روش‌شناسی نظریه داده بنیاد به بررسی پنداشت افراد درباره صحبت به زبان ترکی یا فارسی پرداخته خواهد شد. تفسیر بنیادی مبتنی بر رویکرد امیک از موضوع است. مهم‌ترین پرسش‌های تحقیق حاضر این خواهد بود که «چه جنبه از زندگی آذری زبانان در دو دهه قبل تغییر کرد که تمایل به فارسی صحبت کردن در آنها زیاد شد؟» چه تغییراتی در حال حاضر رخ داده که تمایل به ترکی صحبت کردن در آنها بیشتر شده است؟ در کنار این پرسش اصلی سایر پرسش‌ها عبارت است از: چگونه تغییرات رخ داده است؟ تحولات به کجا راه می‌برد؟ چه پیامدهای از دیدگاه مشارکت‌کنندگان وجود دارد؟

این مطالعه با اتخاذ رویکرد برساختی - تفسیرگرایی بر این نکته تأکید دارد که با تغییر در محیط انسان‌ها نمی‌توان رفتار و درک آنها از پیرامونشان را پیشاپیش شناخته و درک کرد، چراکه این انسان‌ها هستند که محیط اجتماعی خود را خلق کرده و آن‌طور که می‌خواهند تفسیر می‌نمایند. نکته مهم در این رویکرد این است که انسان‌ها اساساً این تغییرات را چطور می‌بینند و چه تلقی و ارزیابی از آن دارند. بر همین اساس، درک نظام معنایی و ذهنی افراد درگیر از اهمیت کلیدی برخوردار است، بدین معنا که ذهنیت‌های جامعه موردنظر، که خود به یک درک کلی و نسبتاً مشترک منجر می‌شود، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بنابراین، چنانچه این نظام و مکانیسم ذهنی و تفهیمی آن درک شود، نه تنها می‌توان درک انسان‌ها از دنیای پیرامونشان را شناخت، بلکه می‌توان به جلب درگیری و مشارکت همدلانه و عملی آنها هم در مسیر تغییر اجتماعی کمک کرد (محمدپور، ۱۳۸۹: ۳).

هدف کلی این تحقیق درک معنای تغییرات زبان گفتاری از ترکی به فارسی در دو دهه گذشته و مقاومت در مقابل تغییر در حال حاضر است.

اهداف خاص‌تر این تحقیق را می‌توان به شرح زیر مقوله‌بندی کرد.

۱. چه جنبه از زندگی آذری زبانان در دو دهه قبل تغییر کرده بود که تمایل به فارسی

صحبت کردن در آنها زیاد شده بود؟

چگونگی تغییرات زبان گفتاری از ترکی به فارسی در... ۱۱۲...

۲. چه تغییراتی در حال حاضر رخ داده که تمایل به ترکی صحبت کردن در آنها بیشتر شده است؟

۳. مجاری و منابع این تغییرات از نظر آنها کدام‌اند؟

۴. مردم این آذری زبان پیامدهای این تغییرات را چگونه درک و تفسیر می‌نمایند؟

۵. ارائه یک مدل پارادایمیک شامل پنج بعد شرایط؛ زمینه، عوامل مداخله‌گر؛ تعامل و پیامد بر اساس نظریه داده بنیاد.

چارچوب مفهومی

تحقیقات کیفی، برخلاف پژوهش‌های کمی که مبتنی بر یک چارچوب نظری جهت نظریه آزمائی هستند، از چارچوب مفهومی استفاده می‌کنند. چارچوب مفهومی مجموعه مفاهیم به هم مرتبطی را شامل می‌شود که بر مفاهیم عمده مورد مطالعه تمرکز دارد و آنها را در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می‌دهد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۱۲۳) در رویکرد نسل دومی محققان نظریه‌پردازی داده بنیاد بر استفاده از تئوری در تحقیق تأکید شده است در تعریف حساسیت نظری بیان می‌داند که سطح حساسیت نظری یک پژوهشگر بازتابی از سابقه ذهنی و فکری محقق است یعنی از نوع نظریه‌ای که مطالعه و درک کرده می‌تواند در انجام پژوهش خود بهره گیرد (ملانی، ۱۳۹۳: ۲۳). بنابراین، در این بخش سعی می‌شود توضیح مختصری از نظریه‌های مرتبط ارائه شود.

نظریه کهن‌گرایی یکی از نظریه‌های که تغییر زبانی را تبیین می‌کند نظریه کهن‌گرایی قومیت پرتأثیر هویت و احساسات کهن در یک گروه بر تحرکات قومی و تغییرات زبانی تأکید می‌کند. در نقد این رویکرد می‌توان گفت؛ صرف داشتن احساسات کهن برای سیاسی شدن قومیت کافی نیست. به نظر حمید احمدی، تجربه ایران نشان می‌دهد که دیدگاه کهن‌گرا برای توضیح سیاسی شدن اختلافات زبانی - مذهبی در ایران مناسب نیست. در قرون گذشته چنین درکی از تفاوت‌های زبانی - مذهبی در ایران وجود داشت، اما این دیدگاه تا اواسط قرن بیستم باعث سیاسی شدن این تمایزات نشد. سیاسی شدن این تفاوت‌ها و ایجاد حرکت‌های سیاسی مبتنی بر آن در ایران پدیده‌ای مدرن است، زیرا منافع ابزارگرایانه عامل اصلی سیاسی شدن علایق کهن زبانی - مذهبی بوده است (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۲).

از مهم‌ترین دیدگاه‌های تبیین‌کننده تغییرات زبانی اقوام، دیدگاه واکنش قومی^۱ است. واکنش قومی بر این باور است که تخصیص خاص گرایانه نقش‌ها و منابع ارزشمند به گروه قومی مسلط اصلی‌ترین علت تغییر زبانی قومی است. تخصیص خاص گرایانه می‌تواند در جوامعی با هر سطح از تفکیک ساختاری^۲ رخ می‌دهد. بدین ترتیب، هویت قومی در جوامع مدرن به واسطه روی هم قرار گرفتن قومیت و طبقه اجتماعی حفظ می‌شود. گلنر و هکتر^۳ دو نظریه‌پرداز این دیدگاه است بر اساس نظر گلنر توسعه سریع به شکل ناموزون علت اصلی تغییر زبانی قومیت است که در آن اعضاء فرهنگ مسلط خود را بنیان اصلی توسعه و به‌طور خاص صنعتی شدن جامعه می‌دانند و گروه‌های قومی دیگر را حاشیه‌ای، دنباله‌رو یا بیگانه تلقی می‌کنند. بنابراین از دیدگاه گلنر تغییر زبانی قومی باید به‌عنوان محصول اعمال انحصاری هم‌زمان با صنعتی شدن ناموزون دانست. هکتر بیان می‌دارد قوم مسلط از طریق نشانه‌های فرهنگی نسبتاً ظریف دست به محدودسازی^۴ دیگر اقوام می‌زنند. از دیدگاه هکتر اعمال محدودسازی‌ها قوم مسلط به‌شدت با تبعیت اقتصادی و فرهنگی دیگر اقوام منطبق است. هکتر نظریه واکنش قومی را با استدلال‌های مارکسیست‌های کلاسیک و دیدگاه‌های مربوط به استعمار درونی^۵ پیوند می‌زند. هکتر از مفهوم تقسیم کار فرهنگی^۶ برای تبیین نحوه توسعه پیرامون مستعمره نشین درونی استفاده کرده است؛ او بیان می‌دارد توسعه پیرامونی، یعنی استعمار درونی، به‌وسیله نیازهای توسعه‌گران مرکز تعیین می‌شود. آنچه که هکتر به‌عنوان همبستگی قومی^۷ توصیف کرده، توسط مارکس و انگلس برای توصیف همبستگی طبقاتی^۸ استفاده شده است. زمینه‌های همبستگی قومی عبارت‌اند از ۱. نابرابری اقتصادی ذاتی ۲. پذیرش این نابرابری به‌عنوان ستم جمعی ۳. ارتباط کافی میان اعضای گروه ستم‌دیده (Ragin, 1979: 621).

یکی دیگر از دیدگاه‌های تبیین‌کننده تغییر زبانی اقوام دیدگاه رقابت قومی^۹ است. این دیدگاه معتقد است مدرنیزاسیون اجتماعی و ساختاری به دو طریق بر خرده ملت‌ها و ملت‌ها تأثیر می‌گذارد: اول، مدرنیزاسیون با تضعیف کردن هویت‌های فرهنگی و ملی و خرید، تنوع قومی در میان خرده

1. The Reactive Ethnicity Perspective
2. Structural Differentiation
3. Gellner and Hechter
4. Exclusion
5. Internal Colony
6. Cultural Division of labor
7. Ethnic Solidarity
8. Class Solidarity
9. The Ethnic Competition Perspective

چگونگی تغییرات زبان گفتاری از ترکی به فارسی در... ۱۱۵۰۰

ملت‌ها و درون فرهنگ مسلط را می‌کاهد؛ دوم مدرنیزاسیون، با تغییر دادن شرایط رقابت میان اجتماعی که به لحاظ سیاسی قابل تعریف هستند، اهمیت هویت‌های قومی کلان را افزایش می‌دهد. مقاومت سازمان‌یافته در برابر مرکز زمانی پیش می‌رود که حول هویت کلان سازمان یابد. بنابراین، مدرنیزاسیون در واقع حیات سیاسی هویت‌های قومی را که خیلی وسیع تعریف شده باشند، افزون می‌کند. تغییر زبانی زمانی جرقه می‌زند که گروه‌های قومی (مسلط و تحت سلطه) مجبور می‌شوند برای منافع و منابع یکسانی با یکدیگر رقابت کنند (Ragin, 1979:622).

تعریف مفاهیم

زبان: زبان، بخش مهم و اساسی فرهنگ است و به‌مثابه ابزاری فرهنگی باعث انتقال میراث فرهنگی از نسلی به، نسل دیگر می‌شود. مرزهای سیاسی نیز عمدتاً با مرزهای زبانی هماهنگ‌اند (بورس کوئن، ۱۳۷۶: ۶۰).

قومیت: ال^۱ قومیت را فرایندی اجتماعی و روان‌شناختی می‌داند که به‌واسطه آن افراد با یک گروه و برخی از جنبه‌های فرهنگ آن گروه ارتباط می‌یابد و از این حیث عبارت است از آگاهی از تفاوت، برجستگی ذهنی آن تفاوت و همچنین بسیج شدن بر اساس آن تفاوت (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۱۶۰).

پایگاه اجتماعی: جایی است که هر کس در ساخت اجتماعی اشغال می‌کند وضع یا اعتبار اجتماعی است که شخص به‌طور ذهنی حفظ می‌کند یا سعی در نگاهداری از آن در نظر دیگران دارد. از نظر لنین (جایی که یک فرد خاص در نظامی مخصوص و در زمانی معین اشغال می‌کند پایگاه او در برابر این نظام خوانده می‌شود). پایگاه اجتماعی، عبارت است از یک سازه ذهنی و ارزیابی آن با کاربرد معیارهای ارزشی - اجتماعی و رایج در جامعه صورت می‌گیرد (بیرو، ۱۳۶۷: ۳۸۱).

طبقه اجتماعی: طبقه اجتماعی را بخشی از اعضای جامعه که از نظر ارزش‌های مشترک، حیثیت اجتماعی، نوع فعالیت، میزان ثروت و دارایی و نیز آداب معاشرت از سایرین متمایز باشند (بورس کوئن، ۱۳۷۶: ۶۰).

روش تحقیق

روش‌شناسی مورد استفاده در این مطالعه، روش‌شناسی کیفی است و از روش نظریه‌پردازی

1. Eller

2. Social Status

داده بنیاد^۱ به عنوان روش عملیاتی تحقیق استفاده شده است. روش نظریه داده بنیاد، شیوه‌های از پژوهش کیفی است که در آن، با استفاده از دسته‌ای از داده‌ها، نظریه‌ای تکوین می‌یابد. هدف نظریه‌پردازی داده بنیاد تولید نظریه است و در مرحله مقدماتی ارائه مدل نه توصیف صرف پدیده در بررسی کیفی می‌توان از دو نوع نمونه‌گیری هدفمند و نظری به صورت هم‌زمان استفاده کرد. از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مورد مصاحبه و از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های مورد نیاز و یافتن مسیر پژوهش استفاده می‌شود (محمدپور، ۱۳۸۹: ۴۵). در این مطالعه با هدف گردآوری اطلاعات لازم از شهروندان تبریزی به انجام مصاحبه‌های مختلف پرداخته شد. پس از انجام ۱۳ مصاحبه عمیق اشباع نظری حاصل شد. اما برای حصول اطمینان تا ۱۸ نفر ادامه یافت. مصاحبه‌ها همگی میان شهروندان تبریزی انجام شده است. برخلاف پژوهش‌های کمی که به سادگی می‌توان رویه‌ها و مراحل آن را از هم تفکیک کرد و تحلیل داده‌ها مرحله مستقلی از فرایند گردآوری آنهاست، در پژوهش‌های کیفی به ویژه در روش «نظریه بنیانی» مرزبندی شفاف بین مراحل پژوهش وجود ندارد و ما با مراحل و رویه‌هایی یکپارچه‌ای سروکار داریم. به عبارت ساده‌تر، در پژوهش کیفی تحلیل داده‌ها فرایندی چندمرحله‌ای و مستمر است که دست کم با فرایند گردآوری داده‌ها شروع می‌شود. تحلیل داده‌ها بخش مهمی از طرح پژوهشی مقدماتی است، چراکه هر مطالعه کیفی نیازمند تصمیماتی درباره چگونگی انجام تحلیل کیفی است. بنابراین در این مقاله پژوهشگر تحلیل داده‌ها را بلافاصله بعد از مطالعه اولین مصاحبه انجام داده است و آن را در طول مدتی که پژوهش انجام می‌شود ادامه داده است. این کار به پژوهشگر کمک کرد تا با تمرکز و انسجام بیشتری مصاحبه‌ها را تحلیل کند و ارتباط بهتری بین داده‌های گردآوری شده و سؤالات اصلی پژوهش برقرار کند. در گراند تئوری از سه مرحله کدگذاری برای تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود. کدگذاری مهم‌ترین استراتژی یا روش مفهوم‌پردازی در پژوهش‌های کیفی است. در واقع بر اساس کدگذاری است که سؤالات پژوهش هدایت می‌شود یا سؤالات پژوهشی جدیدی طرح می‌شود. همچنین، از طریق روش کدگذاری داده‌های خام کیفی به داده‌ها یا موادی قابل مدیریت و مفید تبدیل می‌شود. سه نوع یا سطح کدگذاری در تدوین نظریه تغییر زبان گفتار عبارت‌اند از: کدگذاری باز^۲، محوری^۳ و گزینشی/انتخابی^۴.

-
1. Grounded Theory
 2. Open Coding
 3. Axial Coding
 4. Selective Coding

چگونگی تغییرات زبان گفتاری از ترکی به فارسی در... ۱۱۷...

استراتژی اعتباربخشی یافته‌ها: پژوهشگران مختلفی که از تحقیق کیفی در تحقیقات خود استفاده کرده‌اند، بر این باورند که با توجه به ویژگی‌های روش تحقیق کیفی، باید از واژه «اعتبار» به «جای قابلیت اتکا» در این نوع تحقیق‌ها استفاده نمود. به نظر آنها اگر یک تحقیق کیفی واجد چنین ویژگی‌هایی باشد، از صحت و درستی برخوردار است. به نقل از ارل بی در این مورد تأکید می‌کند که در تحقیقات کیفی بهتر است از اعتبار و روایی که به دقت شاخص‌های اندازه‌گیری برمی‌گردد، به جای قابلیت اتکا که به معنی تکرارپذیری در آزمون مجدد است و بیشتر در تحقیقات کمی کاربرد دارد، استفاده کرد. روش اعتبارسنجی این پژوهش «روایی تفسیری» بوده است و با ارائه و بازخورد نتایج پژوهش به صاحب‌نظران تأیید نهایی آن اعمال شد. در کنار این روش از روش «نمونه‌گیری نظری»^۱ برای کشف بهتر مقوله‌ها و ویژگی‌های آن استفاده می‌شود (بی، ۱۳۸۸: ۵۳).

یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در بیان مسئله طرح شد پرسش اصلی این تحقیق این است. شهروندان تبریزی چه درک و تفسیری از تغییرات زبان گفتاری خود دارند؟ بنابراین با استفاده از مصاحبه عمیق به پاسخگویی به سؤال تحقیق پرداخته‌ایم، در این فرایند با ۱۸ نفر از شهروندان مصاحبه انجام شده است. در کدگذاری باز سطح ۲۶ مفهوم اولیه، در کدگذاری باز سطح دوم ۱۲ مفهوم استخراج شده، بر اساس منطق معنایی در قالب خط داستان با یکدیگر در ارتباط قرار گرفته‌اند در کدگذاری محوری به پنج مقوله عمده دست یافتیم و در نهایت در مرحله کدگذاری گزینشی یک مقوله هسته‌ای استخراج شد.

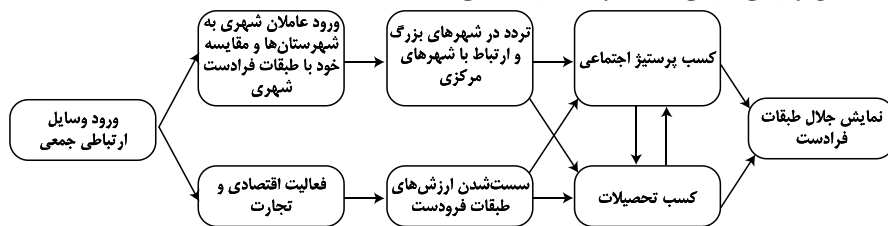
شرایط علی تغییر زبانی: مقوله نیاز به نمایش جلال طبقات فرادست

این شرایط باعث ایجاد و توسعه مقوله‌ای هسته‌ای یا پدیده می‌شوند. از میان مقولات تولیدشده، مقوله تمایل به نمایش جلال طبقه فرادستان که به همراه ویژگی‌های آن یعنی کسب پرستیژ، کسب فرصت‌های اقتصادی و آموزشی از طریق مهاجرت و تماس با شهرنشینان و نیز تغییرات سطح نظام بین‌الملل نظیر فروپاشی شوروی و ایجاد نظام سیاسی آذربایجان و تشکیل گروه‌های تبلیغ ناسیونالیسم زبانی به عنوان ابزار جدید در اختیار طبقه فرادست در دهه ۸۰-۹۰ به عنوان شرایط علی در نظر گرفته شده است.

1. Theoretical sampling

طبقات ممتاز جامعه‌ها در بیشتر دوران تاریخ کوشیده‌اند که به شیوه‌های گوناگون، امتیازات خود را به رخ مردم کشند و با این خودنمایی، آنان را مرعوب و منکوب گردانند و پایگاه رفیع خود را تحکیم بخشند. کوشیده‌اند که از طریق تبلیغات و ناخودآگاه، حیات خود را در برابر زندگی ساده عوام، سترگ و درخشان جلوه دهند، چندان که مردم متعارف (عادی) آنان را موجوداتی غیر از خود به‌شمار آورند و اختلاف میان خود و آنها را جاویدان، ابدی و طبیعی تصور کنند. این نمایش امتیازات اجتماعی طبقات کامروا، به دو شیوه روی می‌دهد: یکی با نمایش بی‌نیازی آن طبقه از عمل تولید اقتصادی و دیگری با نمایش جلال آن طبقه که از خوردن، نوشیدن، پوشیدن، سخن گفتن به زبان خاص و ... می‌خواهند برتری خود را نشان دهند. در جامعه شهری تیریز تحصیل بلندمدت در حوالی سال‌های ۱۳۵۰ یکی از راه‌های نمایش بی‌نیازی طبقه فرادست از عمل اقتصادی است. به قول شرکت‌کننده شماره ۱ «اینها به‌دلیل امکانات مالی و ثروت برای تجارت یا تحصیل به شهر می‌رفتند، یکی دیگر از راه‌های نمایش جلال طبقاتی سخن گفتن به زبان خاص دیگر است» همچنین شرکت‌کننده ۹ و ۵ بیان می‌کنند «در ابتدا کسانی که از لحاظ مالی و تحصیلات بالاتر بودند در شهرستان‌ها فارسی صحبت می‌کردند؛ اگر روزی تو یک مجلس عروسی یا عزا شرکت می‌کردند و همه هستند با بچه‌های خود فارسی حرف می‌زدند!» بنابراین،

ارتباط این ویژگی فرعی را به‌صورت زیر طراحی کرد.



نمودار ۱. تحلیل ارتباط ویژگی‌های مقوله نمایش جلال طبقات فرادست

ورود وسایل ارتباط جمعی

منظور از این ویژگی آن است که در یک جامعه از آن برای ابلاغ پیام‌ها و بیان افکار و انتقال مفاهیم به دیگران استفاده می‌شود. جدا از تجربه مستقیم، بسیاری از دانسته‌ها و اندوخته‌های ما درباره جهان خارج، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری ما از اطلاعات داده‌شده و راه‌های ارائه‌شده

چگونگی تغییرات زبان گفتاری از ترکی به فارسی در... ۱۱۹...

توسط این وسایل تأثیر می‌پذیرد. یکی از مهم‌ترین وسایل ارتباط جمعی تلویزیون است. فرودستان، تأثیرپذیرترین مخاطبان تلویزیون به شمار می‌آیند. در دهه ۵۰ - ۶۰ بیشتر تأثیرگذاری بر ترک‌زبان‌ها برای استفاده از زبان فارسی پخش فارسی تلویزیون بود، البته تلویزیون در ابتدا در دست افراد معدود فرادست بوده که این مسئله خود بر استفاده ابزاری برای نمایش جلال طبقاتی دامن زده است. به قول شرکت‌کننده شماره ۳ «آن اوایل فقط پولدارها تلویزیون داشتند که آن موقع تلویزیون فارسی بود» شرکت‌کننده شماره ۶ «تبلیغات ماهواره‌ای نقش زیادی در تبلیغ ناسیونالیسم ترکی داشت و باعث رونق استفاده از زبان ترکی شد».

ویژگی سست‌شدن ارزش‌های طبقات فرودست

منظور از این ویژگی آن است که افزایش پدیده تغییر زبان قومی در طبقات اجتماعی، به دلیل سست‌شدن هنجارهای اجتماعی و اخلاقیات مشترک است. زیر مقوله‌های توسعه شهرهای بزرگ و حاشیه‌نشینی، تحول طبقاتی، پیدایش مشاغل جدید، اشکال جدید تقسیم‌کار اجتماعی، تقاضا برای زندگی مدرن در شهرها موجب شکل‌گیری مقوله اصلی سست‌شدن ارزش‌های طبقات فرودست در جامعه شده است. به قول شرکت‌کننده شماره ۷ «عامل اصلی تغییر زبان تأثیرپذیری است، تأثیرپذیرها تابع نیاز است نیاز ارتباطی خیلی مهم است اگر نیاز ارتباطی نباشد افسردگی به وجود می‌آید. مسافرت‌ها انتقالات به حدی زیاد شده که افراد نیازمند تغییر زبانی است، تأثیرگذاری با تغییر محیط جغرافیایی؛ محیط فرهنگی تغییر می‌کند».

ویژگی ارتباط با شهرنشینان

منظور از این ویژگی آن است که در شرایط جدید که فرادستان نخستین مهاجران به شهرها محسوب می‌گردند، می‌توانند فرصت‌های مختلف پیشرفت را در اختیار خود بگیرند. دامنه فعالیت فرادستان به قلمروهایی بسیار فراتر از محدوده گذشته راه یافته است. به علت مهاجرت، تحصیلات، محیط کاری، وسایل ارتباطی جدید و ... فرصت‌های زیادی برای آنها فراهم کرده‌اند. به قول شرکت‌کننده شماره ۸ «اینها به دلیل امکانات مالی و ثروت برای تجارت یا تحصیل به شهر مهاجرت می‌کردند، فارسی حرف زدن رو یاد می‌گرفتند وقتی به شهرستان برمی‌گشتند برای کلاس گذاشتن با بچه‌هاشون فارسی صحبت می‌کردند مردم عادی هم برای کسب امتیازات آنها

فرزندان خود را به شهرها فرستادند» شرکت‌کننده شماره ۹ «در دوران سال‌های ۵۰ نخستین بار با چند نفر به روستا آمدند و فارسی حرف می‌زدند وقتی می‌دیدند ما فارسی بلد نیستیم با ما ترکی حرف می‌زند».

به این علت که مهاجرت فرادستان به شهرها باعث کسب آگاهی و فرصت‌های جدید نمایش جلال طبقاتی گردیده، طبقات فرودست نیز دست به مهاجرت به شهرها می‌زنند که الزاماً دستاوردهای طبقات فرادست را کسب نمی‌کنند برای فرودستان یکی از عوامل مؤثر در هنجارشکنی، مهاجرت است. مهاجرت به معنی نبود خانواده، فقدان کنترل والدین، بین مبدأ و مقصد مهاجرت، بیکاری یا انتقال کاذب سرپرست خانواده یا جوان در مقصد مهاجرت به علت نداشتن شغل و سکونت در مناطق فقیرنشین و زندگی در مکان‌هایی که خود منشأ و اساس بسیاری از بزه‌هاست، پایین بودن تحصیلات جوان و وجود پدر یا مادر ناتنی و چگونگی برخورد آنان با فرزند ناخوانده، احساس ناکامی از عدم دستیابی به هدف‌هایی که قبل از مهاجرت، موردنظر جوان مهاجر بوده است و ... غیر آن است (تاجیک، ۱۳۶۸: ۱۳).

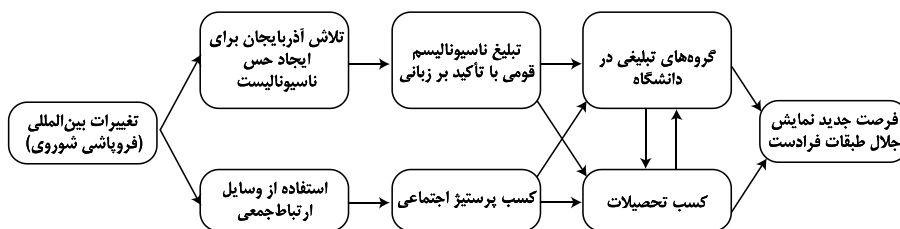
مهاجران زمانی که در معرض فرهنگی غیر از فرهنگ خود قرار می‌گیرند وضعیت‌های مختلفی ممکن است به وجود آید. از یک طرف این‌گونه متصور است که مهاجران دست به اقتباسی (گزینشی) از فرهنگ مقصد می‌زنند و گاهی ممکن است این اقتباس به بالاترین سطح خود برسد تا جایی که خصلت اساس فرهنگ آنان را حذف نماید. از طرف دیگر می‌توان تصور کرد که مهاجران بنا بر دلایلی به یک نوع «مقاومت» در برابر اقتباس دست بزنند و حتی ممکن است زمینه را برای جنبش‌های «ضد فرهنگ‌پذیری» آماده سازند و گاهی به شکل گروه‌های منزوی نمود پیدا کند. شرکت‌کننده شماره ۱۰ «ارتباطات برون‌استانی نقش زیادی در فعالیت‌های اقتصادی دارد. بنابراین، لهجه باعث کاهش فعالیت می‌گردد جابجایی فرهنگی نیز تأثیرگذار بود، بخواهند با فرهنگ تهران آشنا بشوند مهاجرت نقش زیادی دارد».

شرایط بیرونی سطح کلان (نظام بین‌المللی)

تغییرات سطح نظام بین‌الملل نظیر فروپاشی شوروی و ایجاد نظام سیاسی آذربایجان و تشکیل گروه‌های تبلیغ ناسیونالیسم زبانی به‌منظور ابزار جدید در اختیار طبقه فرادست در دهه ۸۰-۹۰ به‌عنوان شرایط علی در نظر گرفته شده است. با فروپاشی شوروی سردمداران آذربایجان

چگونگی تغییرات زبان گفتاری از ترکی به فارسی در... ۱۲۱۰۰

در پی ایجاد کشور آذربایجان بزرگ برآمدند از این رو گروه‌های کوچک در آذربایجان ایران برای تبلیغ زبان آذری تشکیل دادند که بر محور ناسیونالیسم و دشمن بود فارس‌ها می‌گشت. شرکت کننده شماره ۱۱ «پس از متلاشی شدن شوروی در مقابل نظام سرمایه‌داری کشورهای کوچکی شکل گرفتند نظیر آذربایجان پس از متلاشی شدن شوروی و تشکیل آذربایجان، رییس جمهور آذربایجان به تبلیغ ناسیونالیسم قومی پرداخت. در رؤیاهایش آذربایجان بزرگ وجود داشت شروع به تبلیغ کردند که فارس‌ها شما رو به اسیری گرفتند و روزی ما برای نجات شما خواهیم آمد» بنابراین، ارتباط این ویژگی فرعی را به صورت زیر طراحی کرد:



نمودار ۲. تحلیل ارتباط ویژگی‌های مقوله تغییرات سطح نظام بین‌الملل

مقوله هسته‌ای یا پدیده مورد مطالعه: تغییر زبان

این مقوله برچسب مفهومی است که برای چارچوب یا طرح به وجود آمده در نظر گرفته می‌شود. با توجه به اینکه در این پژوهش فرایند تغییر زبان ترکی به فارسی در دهه ۶۰-۷۰ ه.ش و سپس تغییر از فارسی به ترکی در دهه ۸۰-۹۰ ه.ش مطالعه شده است. پس از گردآوری داده‌ها و تحلیل آنها در مرحله کدگذاری باز و بررسی ویژگی‌های ارائه‌شده؛ مقوله تغییر زبانی به عنوان مقوله هسته‌ای انتخاب شد. البته در ابتدا مطالعه فقط تغییر زبان به فارسی بود که در حین مطالعه به تغییر مجدد به ترکی رسیده است. شرکت کننده شماره ۱۱ «حالا قشر متوسط هم آن کار می‌کرد. دیگه طوری شده بود که آنهایی که پدرشان نمکی جمع می‌کرد با آنهایی که طلافروش بودند همه‌شان فارسی صحبت می‌کردند. دیگر ابهت فارسی صحبت کردن شکست». پس از همه‌گیر شدن زبان فارسی قدرت تشخیص‌آوری صحبت به زبان فارسی رو به کاهش می‌رود. دیالکتیک تظاهر و تمایز که هدایت‌کننده آن بود، رنگ می‌بازد. پیامدها این رنگ باختن

تشخص‌آوری یافتن ابزاری جدید زبانی ناشی از تحولات بین‌المللی که در اختیار طبقه فرادست گذاشته است و این چرخه به‌طور مداوم ادامه می‌یابد. شرکت‌کننده شماره ۱۲ «تغییر از زبان ترکی به فارسی در زمان جنگ مطرح بود یعنی زمانی که شوروی متلاشی نشده بود و حس ناسیونالیسم قومی وجود نداشت: اما پس از فروپاشی شوروی شروع به تبلیغ کردند که فارس‌ها شما رو به اسیری گرفتند و روزی ما برای نجات شما خواهیم آمد تبلیغات در زمان مشکلات دریاچه ارومیه به اوج خود رسید. بنابراین، نیاز داخلی برای حل مسئله ارومیه هم وجود داشت آرام آرام مردم و به‌خصوص دانشجویان با آشناسدن در مقابل ناسیونالیسم به سمت آن رفتند، تبلیغات بیشتر روی زبان بود و دربارهٔ مذهب تبلیغی نمی‌شد».

بستر حاکم: شدت و میزان تعاملات بین طبقاتی

به شرایط خاصی که برکنش‌ها و تعاملات تأثیر می‌گذارند بستر گفته می‌شود. این بستر ناظر بر فضای حاکم بر تعاملات بین طبقات فرادست و فرودست است. این شرایط را مجموعه‌ای از مفاهیم و مقوله‌ها یا متغیرهای زمینه‌ای تشکیل می‌دهند و در مدل معرفی شده عبارت‌اند از: شدت و میزان ارتباط طبقات فرادست و فرودست، میزان فراگیرشدن زبان.

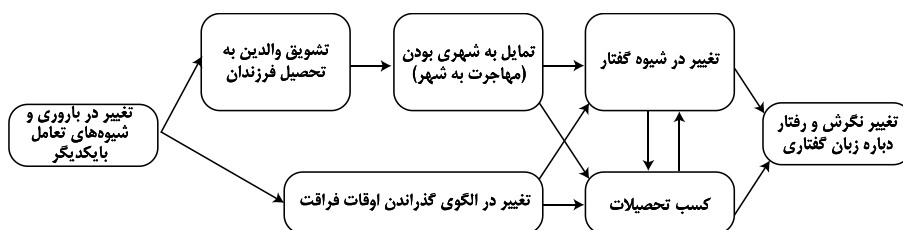
شدت و میزان تعامل میان طبقات فرادست و فرودست در انتقال خواست‌های نمایشی مؤثر است، پس از شناخت عناصر تشخیص‌آور توسط فرودستان که در ارتباطات با فرادستان شناخته می‌شود به یادگیری و آموزش آن عنصر همت گماشته می‌شود. اما پس از مدتی این امر از طریق چشم و هم‌چشمی در درون طبقات فرودست تبدیل به پدیده‌ای عام می‌گردد و در زمان ماهیت تشخیص‌آوری خود را از دست می‌دهد. چشم‌وهم‌چشمی نوعی روابط پویایی افراد اجتماعی که دست‌خوش بستگی متقابل و نفوذ متقابل می‌گردد، جریان مستمر تأثیر عوامل اجتماعی را تأثیر دورانی اجتماعی خوانند. شرکت‌کننده شماره ۲ «اگر روزی تو یه مجلس عروسی یا عزا شرکت می‌کردند و همه هستند با بچه‌های خود فارسی حرف می‌زدند چون پولدار یا تحصیلکرده بودند، مورداحترام بقیه هم بودند. اکثراً طلافروش‌ها و فرش‌فروش‌ها با طبقات بالا در ارتباط بودند و ما هم با طلافروش‌ها و فرش‌فروش‌ها ارتباط داشتیم چون اکثراً تحصیلکرده نبودند، دیپلم هم کم بود و این اواخر نیز زیاد شده است. کارمندان عمدتاً لیسانس بودند تا اینکه دیگر همه باسواد شدند فارسی حرف زدن دیگر همه‌گیر شده بود حتی مادر بی‌سواد هم با بچه‌اش

چگونگی تغییرات زبان گفتاری از ترکی به فارسی در... ۱۲۳۰۰

فارسی حرف می‌زند دیگر کسی برای کلاس گذاشتن فارسی حرف نمی‌زد، اما وقتی فارسی حرف می‌زدند استدلالشان این بود که داریم بچه‌ها مون را برای پیش‌دستانی حاضر می‌کنیم».

راهبرد/کنش: تمایل به تغییر نگرش و رفتار در مقابل زبان:

بیانگر رفتار و فعالیت‌ها و تعاملات هدف‌داری هستند که تبعات مقوله هسته‌ای و تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر است. به این مقوله؛ طبقه راهبردی/تعاملی/کنشی نیز گفته می‌شود که در پژوهش پیش‌رو عبارت‌اند از: تغییر در شیوه گفتار، تمایل به شهری بودن، تشویق والدین به تحصیل فرزندان؛ تغییر در الگوی گذران اوقات فراغت، مهاجرت به شهر و شیوه‌های تعامل با یکدیگر راهبردهایی هستند که در برخورد با تغییرات زبانی به کار می‌برند. بنابراین، ارتباط این ویژگی فرعی را به صورت زیر طراحی کرد.



نمودار ۳. تحلیل ارتباط ویژگی‌های مقوله تمایل به تغییر نگرش و رفتار در قبال زبان

رشد اجتماعی از مفاهیمی است که با چگونگی و شیوه زندگی افراد یک جامعه پیوندی تنگاتنگ دارد و در ابعاد عینی بیشتر ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت است. بر این مناسبت که گفته شده «منظور از رشد اجتماعی اشکال متفاوت کنش متقابل است که در یک جامعه خاص همراه با توسعه تمدن رخ می‌دهد. توسعه اجتماعی و توسعه فرهنگی جنبه‌های مکمل و پیوسته یک پدیده‌اند و هر دو نوع الزاماً به ایجاد وجوه تمایز فزاینده جامعه منجر می‌شود».

پس توسعه اجتماعی در پی ایجاد بهبود در وضعیت اجتماعی افراد یک جامعه است که برای تحقق چنین بهبودی در پی تغییر در الگوهای دست‌وپا گیر زائد رفتاری، ساختن و روی آوردن به

یک نگرش، آرمان و اعتقاد مطلوب‌تری است که بتواند پاسخگوی مشکلات اجتماعی باشد (ازکيا، ۱۳۸۱: ۱۹). رشد اجتماعی محقق نخواهد شد مگر اینکه نهادهای تأثیرگذار اجتماعی دستخوش تغییر و توسعه گردند. از جمله این نهادهای اجتماعی که به تحقیق ثابت شده است که بر زندگی اجتماعی افراد تأثیر بسیار زیادی دارد، خانواده، مدرسه و رسانه‌ها است.

شرکت‌کننده شماره ۹ «- من نیز توسعه‌زبانی خود را بیشتر می‌کنم، چون نیاز به رشد اجتماعی دارم گفتار باید هم‌سطح شنونده باشد ممکنه طوری صحبت کنند که شما نفهمید». شرکت‌کننده شماره ۱۳ «لهجه قابل قبول و رفتار قابل قبول زمینه‌های رشد را فراهم می‌کند برای ابراز وجود در جمع و برای پذیرش در گروه فرد نیازمند تغییر زبان مادری به زبان دیگر است.» شرکت‌کننده شماره ۱۲ «چون پولدار یا تحصیلکرده بودند مورد احترام بقیه هم بودند مردم هم با دیدن اینکه اینها فارسی حرف می‌زنند شروع کردند تقلید کردن تا اون احترام رو هم داشته باشند تحصیل کردن هم برای کسب احترام بود به دلیل همین به شهرها رفتند».

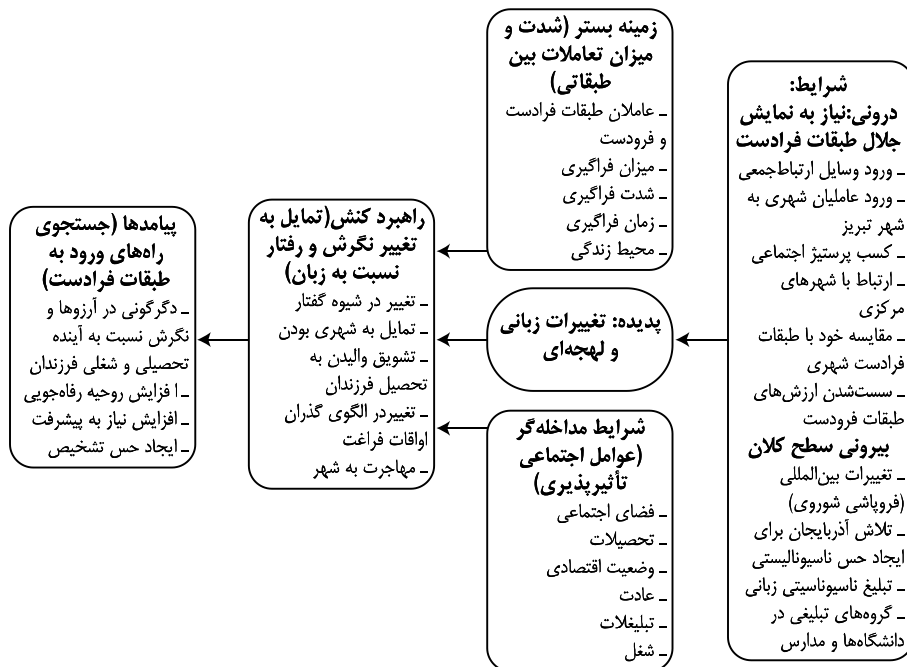
پیامدها: جست‌وجوی راه‌های ورود به طبقه فرادست

برخی از مقولات بیانگر نتایج و پیامدهایی است که در اثر اتخاذ راهبردها به وجود می‌آیند. در این پژوهش، جست‌وجوی راه برای طبقه فرادست شدن از طرف طبقات فرودست نتیجه تعامل میان طبقات فرودست با طبقه فرادست و نمایش جلال طبقاتی فرادستان به عنوان شرایط علی و بستر است که عوامل متعددی را شامل می‌شود از جمله: دگرگونی در آرزوها و نگرش درباره آینده تحصیلی و شغلی فرزندان، افزایش روحیه رفاه‌جویی، افزایش نیاز به پیشرفت، ایجاد حس تشخص.

تغییر در زبان نیازمند مهاجرت و کسب تحصیلات و به همراه اتفاق افتادن این مسئله دگرگونی در آرزوها و نگرش درباره آینده تحصیلی و شغلی فرزندان رخ می‌دهد. این دگرگونی تغییر در عادات و درنهایت افزایش روحیه رفاه‌جویی و نیاز به پیشرفت برای کسب حس تشخص ایجاد می‌گردد. شرکت‌کننده شماره ۱ «در بیشتر مواقع رفتار ماها خیلی تغییر کرده دیگر فرش نمی‌بافیم، اصلاً مادرم اجازه نمی‌ده یاد بگیرم، می‌گه باعث بی‌کلاسی میشه. حتی حالا که هم تحصیلات داریم و کار هم بلد نیستیم، شکل تفریحاتمان هم مثل اونها شده سینما می‌رویم، باغ‌وحش می‌رویم».

چگونگی تغییرات زبان گفتاری از ترکی به فارسی در... ۱۲۵۰۰

سال هفدهم، شماره سی و پنجم، پاییز ۱۳۹۵



نمودار ۴. مدل نهایی پارادایمی تغییر زبانی

بحث و نتیجه‌گیری: روایت پژوهش (نظریه تغییر زبانی)

شکل‌گیری پدیده تغییر زبانی ابتدا به‌عنوان هسته و مرکز بحث مطرح گردید و توجه به علل و عوامل ایجاد تغییر زبانی فکر محقق را به خود جلب نمود. نباید تغییر زبانی را به‌عنوان یک عامل تحدید امنیت و یکپارچگی کشور تلقی نمود. نظریه تغییر زبانی، چرایی علت تغییر زبانی را شرح می‌دهد. اینکه چرا چنین پدیده‌ای شکل می‌گیرد؟ چه عاملی باعث به وجود آمدن تغییر زبانی می‌شود؟ درواقع سؤال اصلی پژوهشگر این بود که چه نظریه‌ای تغییر زبانی را تبیین می‌کند؟ برای پاسخ به این سؤال، پدیده هسته‌ای تغییر زبانی احصاء و به مرکز ثقل مدل پارادایمی تبدیل گشت. در مدل پارادایمی ارائه‌شده نیاز به نمایش جلال طبقات فرادست به‌عنوان شرط علی، شدت و میزان تعاملات بین طبقاتی به‌عنوان بستر و عوامل اجتماعی تأثیرپذیری به‌عنوان شرایط مداخله‌گر، تمایل به تغییر نگرش و رفتار دربارهٔ زبان را موجب می‌شوند. طبقات فرادست به‌منظور بازتولید جایگاه اجتماعی خود نیاز به نمایش جلال طبقاتی خوددارند

هرگونه ابزاری که در این راستا قابل استفاده باشد را مورد بهره‌وری قرار می‌دهند. در دهه بین ۵۰-۶۰ که هنوز ماهورهاها فعال نبود و مسئله اصلی مردم جنگ و پس از آن بازسازی جنگ بود صحبت به زبان فارسی ابزاری بود که طبقات فرادست می‌توانستند از آن به‌عنوان نمایش عظمت و شکوه طبقاتی خود استفاده کنند. پس از همه‌گیر شدن استفاده از زبان فارسی و هم‌زمان با تحولات نظام بین‌المللی و فروپاشی شوروی و تشکیل نظام سیاسی آذربایجان و تلاش آذربایجان در تقویت حس ناسیونالیستی ابزار جدیدی در دست طبقه فرادست قرار می‌گیرد تا بتواند به نمایش جلال طبقاتی خود دست زند و آن نیز صحبت به زبان ترکی غنی‌شده که با ترکی دهه ۵۰ تفاوت‌های ادبیاتی دارد است.

چون طبقات فرادست در مهمانی‌های که برخی از عناصر طبقات فرودست در آن حضور دارند، به نمایش جلال طبقاتی خود دست می‌زنند. بنابراین، عناصر به نمایش گذاشته‌شده مورد تقلید طبقات فرودست قرار می‌گیرند تا از این طریق بتوانند خود را وارد طبقات فرادست کنند. شدت و میزان تعاملات بین طبقاتی تأثیر بسیار در دریافت عناصر زبانی به نمایش گذاشته‌شده می‌گذارد. در این زمینه برخی شرایط مداخله‌گر که با عنوان عوامل اجتماعی تأثیرپذیری از آن یاد شد در شکل‌گیری تغییر زبانی اثرگذار است. مقولات فضای اجتماعی تعامل میان طبقات فرادست و فرودست، تحصیلات افراد در حال تعامل، وضعیت اقتصادی و عادت را به‌عنوان عوامل اجتماعی تأثیرپذیر مقوله‌گذاری شد. در این فضای اجتماعی که فرادستان صحبت به زبان فارسی را برای پز دادن استفاده می‌کردند طبقات فرو دست نیز تمایل به تغییر نگرش و رفتار دربارهٔ زبان قومی خود پیدا کرده و برای یادگیری و آموزش زبان فارسی متحمل هزینه‌ها شده‌اند. پیامدها این تشخیص‌آوری زبانی، جست‌وجوی راه‌های ورود به طبقه فرادست از طریق تغییرات زبانی و پیرو آن تغییرات ارزشی در فرودستان است. اما پس از همه‌گیر شدن زبان فارسی قدرت تشخیص‌آوری صحبت به زبان فارسی رو به کاهش می‌رود. دیالکتیک تظاهر و تمایز که هدایت‌کننده آن بود رنگ می‌بازد. پیامدها این رنگ باختن تشخیص‌آوری یافتن ابزاری جدید زبانی ناشی از تحولات بین‌المللی که در اختیار طبقه فرادست گذاشته است و این چرخه به‌طور مداوم ادامه می‌یابد.

منابع و مأخذ

- احمدی، حمید (۱۳۸۳). **قومیت و قوم گرایی در ایران**. تهران: نشر نی .
- استروس، کوربین (۱۳۹۰). **مبانی پژوهش کیفی**. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.
- آشوری، داریوش (۱۳۷۴). ملیت؛ قومیت و ایران: از امپراتوری به دولت - ملت. **ماهنامه ایران فردا**. شماره ۱۸.
- آلن، بیرو (۱۳۶۷). **علوم اجتماعی**. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: نشر کیهان.
- برتون، رولان (۱۳۸۰). **قوم‌شناسی سیاسی**. ترجمه دکتر ناصر فکوهی. تهران: نشر نی.
- بورديو، پی‌یر (۱۳۹۰). **تمایز**. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر ثالث.
- بورس، کوئن (۱۳۷۶). **مبانی جامعه‌شناسی**. ترجمه محمد فاضلی. تهران: نشر سمت.
- بی، ارل (۱۳۸۸). **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (نظری - عملی)** ترجمه رضا فاضل. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- تاجیک اسماعیلی، عزى‌الله (۱۳۶۸). **بررسی چگونگی تأثیر مهاجرت در بزهکاری نوجوانان**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.
- شیفر، برندا (۱۳۸۵). **شکل‌گیری هویت جمعی در آذربایجان ایران**. ترجمه آیدین رحیمی. تهران: نشر اولوس.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۱). **جهانی شدن - هویت، فرهنگ**. تهران: نشر نی.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹). **فراروش**. تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). **تجربه نوسازی**. تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- مرشدی‌زاده، علی (۱۳۷۹). بقا یا زوال قومیت‌ها در عصر جهانی شدن. **فصلنامه مطالعات ملی**. سال دوم، شماره ۶
- ملانی بیرکس وجین میلز (۱۳۹۳). **تحقیق مبنایی**. ترجمه سیدمحمد اعرابی و عباداله بانسی. تهران: نشر پژوهش‌های فرهنگی.
- ولبن، تورستین (۱۳۸۳). **نظریه طبقه مرفه**. ترجمه فرهنگ ارشاد. چاپ اول. تهران: نشر نی.